دقتی در معنای اختیار القرائة؛ جمع‌بین اختیار القرائة و تأیید قرائات اهل بلد

شاگرد: شما فرمودید نافع قرائتی را اجازه می داده که متناسب با قرائت شهر خودش بوده، این مختار قاری است. لذا باید تعریف اختیار القرائة عوض شود.

استاد: در این نقل مسامحه است که بگوییم مختار نافع این بوده. خود نافع می‌گوید اگر از من مختار خودم را بپرسند می‌گویم.

شاگرد: دارد که حفص برای اختلاف قرائت آمد... .

استاد: این نقلی که عرض کردم، عاصم در بعض مواردش بود.

شاگرد: دو جور نقل شده که عاصم جواب می‌دهد. یک وقت می‌گوید قرائتی را که به تو گفتم، به این صورت یادگرفته ام. یک وقت می‌گوید بر ابوعبدالرحمان به این صورت خواندم. یعنی یکی از آنها به این صورت است که می‌گوید یاد گرفتم، یکی به این صورت است که می‌گوید عرضه کردم.

استاد: لذا آن چیزی که عاصم به حفص جواب می‌دهد، ذو شجون است. یکی از بخش‌هایی که همان جا عاصم به آن تصریح نمی‌کند این است که من می‌دیدم در محیطی هستی و چیزهایی را داری؛یعنی چون مسلمان بودی و قرآن می‌خواندی، جایی که می‌دیدم قابل تأیید است، حرف نزدم. سکوت من عاصم از آن چه که تو اندوخته داشتی.

شاگرد: بنابراین باید تعریف قاری طور دیگری شود. چون قاری کسی بود که مختار دارد.

استاد: نه، مختار به‌معنای کلمه به کلمه نیست. یعنی اصل الاختیار. اختیار به‌طور قطع داشتند. اما این‌که وقتی نافع به ورش اقراء می‌کند تمام مختار خودش را به‌عنوان یک واحد به او می‌دهد، نه. اگر اینطور بود پس چرا چهارده راوی داریم؟ شما می‌گویید عاصم مختار دارد، پس چرا دو راوی دارد ومختلف هم هستند؟

شاگرد: چون دو اختیار دارند.

استاد: احسنت. من هم همین را می‌گویم. پس می‌تواند دو اختیار داشته باشد. همینطور در اقراء آنها، می‌تواند بلد قرائت مستمع و شاگرد را مراعات کند، و آن هم به وجهی مختار او باشد نسبت

به آن بلد. منافاتی ندارد. یعنی اینها با هم در تضاد قرار نمی‌گیرند.

والحمد لله رب العالمین

بازبینی #3
ایجاد شده 12 ژوئن 2024 11:54:29 توسط ... .
به روزرسانی شده 20 ژوئن 2024 10:41:26 توسط ... .